

نسبت‌سنجی هزینه‌های مقاومت و تسلیم ملت‌ها در مقابل نظام سلطه

حمید حبیبی^۱

اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

چکیده

پرسش فراروی تحقیق توصیفی-تحلیلی حاضر این بود که در تقابل با عوامل بازدارنده نظام سلطه در مسیر تعالی زندگی فردی و اجتماعی انسان، هزینه‌های مقاومت بیشتر بوده یا هزینه‌های تسلیم؟ انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان محور اصلی و حامی مقاومت و قدرت‌یابی و نضج‌گیری محور مقاومت اسلامی در عرصه‌های فرهنگی، امنیتی، نظامی، علمی، فنی، اقتصادی و هم‌افزایی قدرت در آن‌ها و مبتنی بر رویکرد هستی‌شناسانه از طریق فعالیت‌های شبکه‌ای، علائق و شوق فراگیر به مقاومت و شکل‌گیری هسته‌های جدید، نظام سلطه و متحدانش را با تمام توانمندی‌های دیپلماتیک، رسانه‌ای، مالی، اطلاعاتی-امنیتی و نظامی عاجز نموده و هیمنه و اسطوره شکست‌ناپذیری آن‌ها را با چالش جدی مواجه ساخته است.

آگاهی در حال افزایش ملت‌ها نسبت به حقوق خود و استقلال در تعیین حق سرنوشت خویش هم از دستاوردهای این پدیده است که در مقایسه با هزینه‌های آن به مراتب کمتر از هزینه‌های مقاومت است، از سوی دیگر در مقایسه با هزینه‌های سازش با دشمن که بیان شد، به لحاظ کیفی (حیثیتی، شرافتی و...) به قدری ناچیز است که قابل مقایسه نیست. مبتنی بر رویکرد هستی‌شناسانه در مواردی هم که نرمش قهرمانانه به‌منظور مدیریت صحنه اتخاذ شده، به نفع مقاومت بوده است. ضمن اینکه تعیین موضع‌گیری‌ها صحیح، به‌جا، به‌اندازه و به‌هنگام در مقابل رقیب، همچنان تهدیدها را به فرصت تبدیل کرده و زمینه‌های جدیدی برای بسط و توسعه قدرت ایجاد می‌کند.

در این راستا الگوی مقاومت در هر حوزه‌ای که مردم آن جامعه به زیور روحیه مقاومت آراسته می‌شوند، تجمیع و تألیف اراده‌ها برای تعالی جامعه را در پی داشته و تبدیل به گفتمان غالب گردیده و در حیات اجتماعی بروز و ظهور بیشتری پیدا نموده است. بخش‌های متناظر

۱ عضو هیئت علمی دانشکده شهید محلاتی



با آن حوزه مقاومت نیز این تجربیات ارزشمند را برای رشد و تعالی خود مطلوب دانسته و بومی سازی می نمایند و ایده مقاومت متناسب با شرایط، بازتولید، تکثیر کوثری و تنوع شکلی پیدا می کند.

واژگان کلیدی

مقاومت، تسلیم، نظام، نظام سلطه، پایداری، هزینه های سازش

مقدمه

مطالعات تاریخی این گزاره را به اثبات رسانده که «گذشته چراغ راه آینده است». انسان در حیات فردی خود و مشاهدات محیطی، دو مفهوم مقاومت و تسلیم را به کرات تجربه کرده است. در حیات فردی در مواجهه با دو پدیده «هوای نفس» و «شیطان» و در محیط زیست درگیر با عوامل بازدارنده گوناگون بر سر ماندن، به گونه ای که پیروان مکتب زیست شناختی به طور عام و طرفداران داروینیسیم اجتماعی در قالب چهار اصل «انطباق با محیط»، «تنازع بقا»، «انتخاب اصلح» و «توارث صفات اکتسابی» (شاطری، ۲۰۱۲ م: ۴۲) بحث کرده اند. از زمان شکل گیری حیات اجتماعی انسان و تطور آن از کانون به محیط های بزرگ و بزرگ تر و توسعه جوامع به شکل امروزی، مقاومت و تسلیم متأثر از عوامل مادی و معنوی قدرت، در حیات انسانی در سطوح فردی، اجتماعی، ملی و فراملی و ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی، نظامی و زیست محیطی، اشکال معناداری به خود گرفته است؛ از این جهت این پدیده می تواند نقش تعیین کننده ای را در سرنوشت انسان، حیات اجتماعی او و تعالی و کمالش رقم بزند و می طلبد از زوایای مختلف مورد توجه قرار گیرد، از جمله از منظر هزینه هایی که در این دو مسیر به تجربه برای جامعه دینی ما ثابت شده و واکاوی آن می تواند چراغ راه آینده باشد؛ بنابراین، سوال اصلی فراروی تحقیق حاضر این است که در تقابل با عوامل بازدارنده نظام سلطه در مسیر تعالی زندگی فردی و اجتماعی انسان، هزینه های مقاومت بیشتر بوده یا هزینه های تسلیم؟

فرضیه تحقیق: در تقابل انسان و جامعه با عوامل بازدارنده نظام سلطه در زندگی فردی و اجتماعی، هزینه های مقاومت به مراتب کمتر از هزینه های تسلیم بوده است.



تعریف مفاهیم

مقاومت

مقاومت به معنای دفاع، ایستادگی، تسلیم خواسته طرف مقابل نشدن و تلاش برای تحقق بخشیدن به اراده خویش، مفهوم وسیعی است که در همیشه تاریخ بشر و در همه عرصه‌ها و حتی در دو جبهه حق و باطل وجود داشته و دارد؛ مقاومت حق در برابر باطل، باطل در مقابل حق یا باطل علیه باطل. هرگاه این مقاومت براساس آموزه‌های اسلام شکل گیرد، مقاومت اسلامی نام خواهد داشت. تئوری و نظریه مقاومت در بیانات امام خامنه‌ای^(مدظله) به مناسبت ۱۳ آبان ۱۳۹۷ مطرح شد. ایشان مقاومت را (بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۷/۸/۱۲، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=40833>) «انتخاب راه صحیح، آغاز حرکت در این راه، مبارزه با موانع و مشکلات و ادامه راه حق بدون انصراف یا توقف» (بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد ارتحال امام رحمه‌الله‌علیه، khamenei.ir/speech-content?id=42758) خواندند که در دو گونه حقیقی و کاذب می‌توان از هم تمییز داد. هر کشور، سازمان، گروه و یا فردی که مطابق آموزه‌های متناسب و مطابق با مبانی کرامت انسانی در برابر نظام سلطه ایستادگی می‌کند، در زمره مقاومت حقیقی قرار دارد. نمونه‌هایی چون جمهوری اسلامی ایران، حزب‌الله لبنان، گروه‌های مقاومت در فلسطین، انصارالله در یمن، مردم عراق، سوریه و بحرین از شناخته شده‌ترین اجزا و اعضای این محور مقاومتند و القاعده، تکفیری‌ها و داعش هرچند با بسترهای به ظاهر اندیشه‌ای و اعتقادی دینی شکل گرفته‌اند، نمونه‌های محور مقاومت کاذبند؛ بنابراین، از نمادهایی چون «الله اکبر» و دیگر شعارهای آن‌ها قدرت نرم متعالیه تولید نمی‌شود.

از نگاهی دیگر، مقاومت در اصطلاح، دو مفهوم عام و خاص را در بر دارد. در مفهوم عام شامل هر نوع مقاومتی می‌شود که براساس آموزه‌های هر جامعه‌ای عینیت می‌یابد. ایده مقاومت امری فراتر از ملیت‌ها، قومیت‌ها و گرایش‌های مذهبی است و می‌تواند تمامی انسان‌های آزادی‌خواه را با خود همراه کند، مانند ایستادگی‌ای که مردم ویتنام در مقابل تجاوز آمریکایی‌ها در تاریخ به ثبت رساندند. در مفهوم خاص، مقاومت اسلامی را شامل می‌شود که براساس آموزه‌ها و احکام دین توسط یک مسلمان و یا گروهی از مسلمانان در برابر دشمنان اسلام و مسلمانان در هر عصر و دوره‌ای شکل می‌گیرد.

شاید بتوان گفت که ایده اصلی انقلاب اسلامی و جهت‌گیری کلان تمدن‌سازی دینی، مقاومت اسلامی است. مقاومت اسلامی غیر از انفعال است. مقاومت اسلامی حتی غیر از دفاع صرف است. در بطن مقاومت اسلامی تهاجم و به استقبال تهدیدات رفتن وجود دارد که فرصت‌ها را بسط می‌دهد. مقاومت تنها برای حفظ و بقای خود نیست، بلکه علاوه بر حفظ خود، به دنبال اثرگذاری و دستیابی به وضع مطلوب است. مقاومت اسلامی ایده نوینی است که از تاریخ مبارزه عالمان شیعه زاده شد و در انقلاب اسلامی به بلوغ رسید و امروزه در سطح منطقه و جهان اسلام گسترش یافته است؛ از این رو، در شعارهای انقلاب اسلامی، مبارزه مستضعفان و مظلومان در برابر مستکبران و زورگویان و تشکیل حکومت جهانی اسلام مطرح شد.

ایده مقاومت اسلامی همواره با خوف و رجا همراه است؛ چراکه از سویی به دنبال آرمان‌های بلند حرکت می‌کند و از سوی دیگر خطرات و موانع زیادی پیش روی خود می‌بیند. ایده مقاومت اسلامی در عین آرمان‌گرایی، واقع‌بین است و سعی دارد متناسب با شرایط و امکان‌های تاریخی‌اش به صحنه عینیت و واقعیت نظر کند و پرده واقعیت‌ها را کنار زده و به حقیقت دست یابد.

پایداری

پایداری ترجمه «Sustainability» به معنی نگه داشتن است. پایداری، وجود، حضور و تداوم خاصه، صفت، ویژگی، کارکرد و کیفیت ذاتی یا تعریف شده برای یک فرد، شیء، سیستم و وضعیت در طول زمان است، مادامی که آن فرد، شیء، سیستم و وضعیت موجودیت خود را حفظ می‌کند (قیصری، ۱۳۹۲: ۴۸). در این مقاله، پایداری معادل ایستادگی و مقاوم بودن و مقاومت اخذ شده است، برای مثال وقتی از فرهنگ ایثار و پایداری یاد می‌شود، منظور روحیه ایستادگی و مقاومت مردم و مسئولان بر اصول و ارزش‌های بنیادین انقلاب اسلامی در برابر فشارهای نظام سلطه غرب است.



تسلیم

تسلیم ترجمه «Delivery» به معنی «Surrendering» مترادف با «Submission» است (<https://dictionary.abadis.ir/fatoen/>). تسلیم در لغت در معانی گردن نهادن، سلام گفتن، پذیرفتن شکست و متوقف کردن جنگ، حالت اطاعت و فرمانبرداری، مطیع، فرمانبردار (فرهنگ معین) و تسلیم در حقوق بین‌الملل به معنی توقف مقاومت از سوی یک متحارب است (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۸۶: ۶۶۷).

عوامل بازدارنده

عواملی هستند که تحت تأثیر امکانات، ساختارها، قوانین و روش‌های در اختیار هیئت حاکمه نظام سلطه هستند که می‌توان از آن‌ها به موانع هم یاد کرد.

مبانی رویکردی مقاومت و تسلیم

قبل از بیان شاخصه‌ها از میان حوادث تاریخی و توصیف هزینه‌های مقاومت و سازش در قبال نظام سلطه، معرفی رویکردهایی که اینگونه شاخصه‌ها را خلق می‌کنند، ضروری است. از میان دو رویکرد موجود در عرصه سیاست و نظام بین‌الملل، رویکردی به مقوله رویارویی از زاویه هستی‌شناسانه می‌نگرند. در این دیدگاه بر ابعاد وجودی و هویتی دو طرف درگیری به‌عنوان منشأ اصلی رویارویی تأکید شده و به تبع، راهکار بنیادین برون‌رفت از این مناقشه در تغییر ماهوی آن‌ها جستجو می‌شود، برای مثال با وقوع انقلاب اسلامی، نظام پیشین ایران که جهت‌گیری و رویکردی کاملاً غرب‌گرایانه داشت، تغییر کرد و مسیر حرکت آن از غربی‌سازی و تلاش برای توزیع و ترویج ارزش‌ها و الگوهای غربی به غرب‌زدایی و تلاش برای تولید و خلق ارزش‌ها، معیارها و الگوهای اسلامی برای اداره جامعه تحول پیدا کرد.

در گفتمان نوظهور انقلاب اسلامی، رابطه تنگاتنگ غرب با رهبری جهان تحت فشار قرار گرفت و ساختار نظام بین‌المللی که متأثر از تداوم و گسترش سلطه و مداخله ابرقدرت‌ها در امور بین‌المللی بود، مورد چالش واقع شد. اصول بنیادینی چون نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، مقاومت در برابر ظلم، تجاوز و اشغالگری، دین‌ستیزی، حفظ حقوق، دفع ستم، رفع اشغال، حفظ استقلال و دارایی‌ها مطابق آموزه‌های دینی و بومی، عدالت‌محوری،



دفاع از مظلوم و نفی سلطه کفار و مبارزه با استکبار و حمایت از مسلمانان و مستضعفان جهان که نمود بارز آن در رویکرد آمریکاستیزی و صهیونیسم‌ستیزی مشاهده می‌شد، به‌عنوان جزء لاینفک هویت و امنیت هستی‌شناختی ایران اسلامی قرار گرفت (قادری، ۱۳۹۴: ۱۱۰). در مقابل رسالت‌گرایی آمریکایی در روند مقابله با رشد و گسترش اسلام با معرفی ایران به‌عنوان نماد بنیادگرایی اسلامی تعریف شد. از ابتدای انقلاب اسلامی و استقرار نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران با پایگاه اجتماعی ایدئولوژیکی بالنسبه ثابت، دولتمردان آمریکایی حکومت ایران را با عناوین و عباراتی همچون دولت توسعه‌طلب، ناقض حقوق بشر، گسترش‌دهنده سلاح‌های کشتار جمعی، فعال‌ترین دولت حامی تروریسم، اخلالگر در نظم مناطق اطراف خود، مخل روند صلح اعراب و اسرائیل، دولت یاغی و سرکش، عضوی از محور شرارت، پایگاه استبداد و مانند آن توصیف کردند و همچنان به این برداشت ادامه می‌دهند (سلطانی نژاد، ۱۳۹۲: ۱۰۸).

از این منظر تا زمانی که نمودهای سلطه‌گرایی در بینش و رفتار سیاست خارجی آمریکا در جهان مشاهده می‌شود و مهار ایران به‌عنوان شاخصی از قدرت ایالات متحده آمریکا مطرح است، ضد آمریکاکرایی و استکبارستیزی نیز هویت جمهوری اسلامی ایران را بازتولید می‌کند و دیوار بی‌اعتمادی فی‌مابین فرو نخواهد ریخت، چنانچه مرشایمر، نظریه‌پرداز واقع‌گرای تهاجمی با طرح ایده «موازنه دور از کرانه»^۱ توصیه می‌کند آمریکا باید از تبدیل شدن جمهوری اسلامی ایران به هژمون منطقه‌ای پیشگیری کند. از سوی دیگر براساس دیدگاه نظریه‌پردازان «رنالیسم ساختاری»، نظام تک‌قطبی در مقایسه با سایر نظام‌های بین‌المللی بی‌ثبات‌تر است.

چنین شرایطی را می‌توان ناشی از مقاومت کشورهای مختلف در برابر سیاست‌های دولت هژمونیک دانست. از سوی دیگر، زمانی که مداخله‌گرایی گسترش می‌یابد، تمامی کشورها تلاش می‌کنند تا در برابر سیاست‌های مداخله‌جویانه قدرت برتر، جلوه‌هایی از مقاومت‌گرایی و چالش‌سازی را ایجاد کنند (متقی، ۱۳۸۵: ۱۶). چنین روندی هم‌اکنون در سیاست بین‌الملل شکل گرفته است. نظم‌های منطقه‌ای دچار بی‌ثباتی شده‌اند. رقابت بازیگران مختلف افزایش یافته است. در چنین شرایطی جمهوری اسلامی ایران یکی از کانون‌های مقاومت در مقابل قدرت هژمونیک آمریکا است؛ از این رو تیلرسون، وزیر امور خارجه آمریکا

1. off shore balancing



در بیانی آشکار، مشکل آمریکا با ایران را نظام اسلامی ای می‌داند که باید تغییر کند. رویکرد دوم، رویکردی رفتارشناسانه است که بر اقدامات و رفتار خارجی این دولت‌ها و مناسبات دیپلماتیک آن‌ها تمرکز داشته است، برای نمونه از منظر برخی صاحب‌نظران ایرانی، بیش از آنکه آمریکاستیزی مدنظر باشد، انتقاد از آمریکا مطرح می‌شود. باید توجه داشت در ذات نگرش این انتقادات از آمریکا، گرایش‌های اساسی همکاری‌جویانه وجود دارد و حامیان این دیدگاه با این فرض که دولت ایالات متحده تمایل سیاسی واقعی برای تغییر کردارش دارد، تقریباً همواره رهیافت‌های سیاسی مختلفی را در مسیر تعامل دو کشور پیشنهاد می‌دهند (قادری، ۱۳۹۴: ۱۳۲).

در جامعه آمریکا هم برخی تحلیل‌گران معتقدند آمریکا و ایران دارای منافع راهبردی مشترک در منطقه هستند؛ بنابراین، از ضرورت گفتگو و همکاری میان ایران و آمریکا سخن گفته و معتقدند ادامه روند کنونی به نفع هیچ‌یک از دو کشور نیست (زکریا، ۱۳۹۳)؛ به عبارت دیگر، از این منظر ایالات متحده آمریکا خصومتی جدی با جمهوری اسلامی ایران ندارد و دو کشور می‌توانند در یک جبهه قرار گیرند و فقط به خاطر رفتارهای ایران نظیر فعالیت‌های هسته‌ای، حضور در جبهه مقاومت، رابطه نزدیک با کشورهای ونزوئلا، کوبا و دیگر کشورهای جهان سوم، آمریکایی‌ها سیاست‌های به ظاهر رادیکال و تاکتیک‌های مقابله را به تناسب زمان و مکان اتخاذ می‌کنند.

مقاومت و تسلیم از نگاه قرآن کریم

الف) مقاومت و تسلیم در زندگی فردی

انسان در زندگی فردی در مواجهه با دو پدیده «هوای نفس» و «شیطان» و در محیط زیست درگیر با عوامل بازدارنده گوناگون بوده است. حضرت آدم علیه السلام به‌رغم تأکید ذات باری تعالی مبنی بر معرفی شیطان به‌عنوان دشمن قسم‌خورده انسان که همواره درصدد فریب دادن و دور کردن او از حیات طیبه است، مع الأسف نتوانست مقاومت کند و هزینه سنگین آن را متحمل شد، چنانچه آیات شریفه قرآن کریم (إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ) (فاطر: ۶) و (يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا



أَخْرَجَ أَبُويُكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوَاتِمَهُمَا إِنَّهُ يَرَائِكُمْ هُوَ وَ قَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ (اعراف: ۲۷) بر این حقیقت صراحت دارند (طباطبایی، ج ۸: ۸۷-۸۶ و تفسیر نور، ج ۳: ۴۷-۴۵).

در نمونه‌ای دیگر، حضرت یوسف علیه‌السلام در مواجهه با هوای نفس و عوامل بازدارنده محیطی با اتصال به قدرت نرم الهی، با وجود سختی‌های طاقت‌فرسا مقاومت کرد و از قبل این پایداری خود، جامعه مصر و حتی برادران ظالمش را نجات داد. آیات شریفه قرآن کریم در این خصوص می‌فرمایند: (قَالَ رَبِّ السَّجُنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ) (یوسف: ۳۳) و (وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُونَ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ) (یوسف: ۵۶)؛ تفسیر نور، ج ۴: ۲۳۵-۲۳۳). در یک ملاحظه سطحی، حیات ملکوتی بهشت برزخی مثالی (جوادی آملی، ج ۲۸: ۳۹۱-۲۵۴) که حضرت آدم به‌عنوان هزینه از دست داد و حتی سونه آن حضرت آشکار شد، با رانده شدن از آن و حیات ناسوتی تکلیفی قابل مقایسه نیست، همین‌طور هرگاه انسان از حیات در بهشت منقول به مصائب جهنم منقول (جوادی آملی، ج ۲۸: ۳۷۴-۳۷۳) تنزل و سقوط پیدا کند.

ب) مقاومت و تسلیم در زندگی اجتماعی

آموزه‌های قرآنی دلالت مستقیم (مطابقی) بر کیفیت و کمیت هزینه‌های مقاومت و تسلیم در مقابل نظام سلطه دارد که تنها به دو نمونه اکتفا می‌شود. در قرآن کریم آیاتی مبنی بر قطعیت پیروزی از جمله آیات کریمه (إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ) (محمد: ۷)، (لِيَنْصُرَ اللَّهُ مَنِ انْصُرَهُ) (حج: ۴۰) و (والعاقبة للمتقين) (اعراف: ۱۲۸) نازل شده است که هم امیدبخش‌ترین آیاتند و هم نشان‌دهنده میزان هزینه و فایده هستند. مورد دیگر، آیه کریمه «معیت الهی» است: (إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا) (توبه: ۴۰)؛ «خدا با ما است». اینکه انسان احساس کند که خدا با او، در کنار او، پشت سر او و مراقب او است، این به لحاظ روحی و روانی خیلی مهم است؛ چون خدا کانون قدرت و عزت است. وقتی خدا با یک جبهه‌ای باشد، این جبهه به‌طور قطعی پیروز است.

خدای متعال، موسی و هارون علیهما‌السلام را مأموریت عظیمی داد تا به سراغ فرعون بروند. به حسب ظاهر هزینه‌های تقابل دو نفر تنها با یک قدرت عظیم از لحاظ سیاسی، اجتماعی و



نفوذ در مردم، تأسیسات اداری، مستبد فعال مایشاء با امکانات فراوان، چیزی جز نابوی و خود را به شکم نهنگ فرستادن در پی ندارد. حضرت موسی علیه السلام هم عرض کرد: پروردگارا! ممکن است ما را به قتل برسانند و مأموریت ناتمام بماند؛ (إِنَّا نَخَافُ أَنْ يُفْرِطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْعَى) (طه: ۴۵) و (وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ) (شعراء: ۱۴). خداوند فرمود: (لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَ أَرَى) (طه: ۴۶)، (قَالَ كَلَّا فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ) (شعراء: ۱۵) و (إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا) (نحل: ۱۲۸). این معیت الهی هزینه‌های تعارض دو نفر آدم تنهای دست خالی را منتفی و پیروزی مقاومت مبتنی بر رویکرد هستی‌شناسانه را رقم زد.

وقتی کار به معارضه و رودرویی علنی کشید، بنی اسرائیل به منظور خلاصی از دست فرعون، صبح خیلی زود یا نیمه‌شب فرار کردند. فرعون با دستپاچگی لشکر را جمع کرد و پشت سر یک عده مردم شامل زن و مرد و کودک پیاده و بدون تجهیزات گسیل داشت، درحالی‌که فرعون تجهیزات و سپاه و لشکر و اسب و همه‌چیز داشت که طبعاً زود به آن‌ها رسیدند. این قدر به هم نزدیک شدند که می‌توانستند یکدیگر را ببینند (فَلَمَّا تَرَأَ الْجَمْعَانَ) (شعراء: ۶۱). مردم، به‌ویژه زن و بچه همراه حضرت موسی علیه السلام، ترسیدند و گفتند: ای موسی! الآن به ما می‌رسند؛ از این‌رو، دل‌ها لرزید و دستپاچه شدند. (وَقَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ) (شعراء: ۶۱)؛ «ما را می‌گیرند و قتل‌عام می‌کنند». حضرت موسی علیه السلام در جواب فرمود: هرگز چنین چیزی پیش نخواهد آمد (قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ) (شعراء: ۶۲)؛ (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34995>).

حال اگر این ایمان و اتکا به خداوند، صبر و پایداری در مقابل قدرت بلامنازع فرعون به حسب ظاهر نبود، هزینه‌های ناشی از تن دادن به نظام سلطه فرعون همچنان استمرار می‌یافت. با توجه به این نمونه‌های تاریخی می‌توان گفت هر فرد و جمعیتی هرگاه در سخت‌ترین شرایط، معیت خدای متعال را باور داشته باشند؛ یعنی قلب آن‌ها گواهی دهد که خدا آن‌ها را می‌بیند، خدا با آن‌ها است، سخن آن‌ها را می‌شنود، خدا حواسش جمع و مواظب آن‌ها است، مقاومت کنند، مشمول همین سنت غیر قابل تغییر الهی خواهند شد (لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا) (أحزاب: ۶۲). این معیت خداوند عزوجل با مؤمنین، پیامبران، همراهان و اصحابشان را خدای متعال مکرر در قرآن تأکید فرموده است (فَلَا تَهِنُوا وَ تَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَ اللَّهُ مَعَكُمْ وَ لَنْ يَزِيَكُمْ أَعْمَالُكُمْ) (محمد: ۳۵)؛ آن‌وقت نتیجه این شده که پیغمبران به وعده صادق الهی اعتماد کردند (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39229>).



در مواجهه قوم بنی اسرائیل بعد از حضرت موسی علیه السلام با فرعون زمان، عده قلیلی مرارت‌ها و مشکلات را تحمل کردند؛ ولی در عوض با مقاومت و پایداری مبتنی بر رویکرد هستی‌شناسانه و ایمان به یاری خداوند بر سپاه کثیر جالوت پیروز شدند (کَمِ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ) (بقره: ۲۴۱). این عده قلیل با ایستادگی و مقاومت، نه تنها خود، بلکه مابقی و قوم بنی اسرائیل که تاب تحمل سختی‌ها، مشقت‌ها و پرداخت هزینه‌های محدود مبارزه با استکبار را نداشتند و صحنه را ترک کردند، از ظلم و جنایت‌های حاکم ستمگر و پرداخت هزینه‌های سنگین مستمر رهان‌دند. آیات شریفه ۲۴۶ تا ۲۵۶ سوره بقره شاهدی بر این مدعا است.

مقاومت و تسلیم در سیره معصومین علیهم السلام

در وقایع از تاریخ صدر اسلام نمونه‌های بسیاری را می‌توان ذکر نمود که کیفیت و کمیت هزینه‌های مقامت و تسلیم در مقابل نظام سلطه قابل ملاحظه است. در سیره سیاسی حضرت امیر علیه السلام مقاومت مبتنی بر رویکرد هستی‌شناسانه را هم در ۲۵ سالی که توصیف می‌فرمایند به اینکه «فصبرت و فی العین قذی و فی الحلق شجی» و می‌توان گفت نرمش قهرمانانه بود، مثال زدنی است و هم در مواجهه با قاسطین، مارقین و خوارج. در جنگ صفین حضرت امیر علیه السلام در شرف پیروزی بود. گویا در همین بزنگاه‌های سرنوشت‌ساز، فرد یا افرادی مأموریت دارند مسیر تاریخ را به نفع جریان باطل تغییر دهند. «اشعث» از جمله این افراد است. او در جمع سپاه حضرت با سخنان اعتراضی مبنی بر اینکه چند ماهی از خانواده خود خبری نداریم، تا کی باید بجنگیم؟ اراده مقاومت سپاه را شکست و شکاف ایجاد کرد. وقتی خبر این حادثه به عمرو بن عاص رسید، گفت کار علی تمام است.

بی‌بصیرتی در مواجهه با قرآن‌های بر سر نیزه‌ها، فقدان روحیه مقاومت و پایداری مبتنی بر رویکرد هستی‌شناسانه و تسلیم در برابر حریف، جنگ برده را به شکست تبدیل نمود. هزینه گزاف این تسلیم این شد که امت اسلامی از نعمت وجود حضرت امیر علیه السلام که معجزه تعالیم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود، محروم شد و اسلام حقیقی نزدیک به چهارده قرن از متن به حاشیه رانده شد.



در حادثه کربلا جریانی مداوم حضرت اب‌عبدالله علیه‌السلام را به سازش و تسلیم توصیه می‌کرد. این جریان برای نمونه در زمانی سپاه عمر بن سعد آب را به روی خیم بستند، توصیه کرد که حسب ظاهر با یزید بیعت کنید و زن و بچه را نجات دهید. اگر حضرت به این راهبرد و سناریو عمل می‌کردند، دیگر از الگوی راهبرد رهایی‌بخشی که منجر به دستاوردهای عظیمی چون استقلال هند توسط گاندی، احیای دولت امامت علوی و تأسیس جمهوری اسلامی ایران بعد از چهارده قرن، خیزش‌هایی علیه استکبار و شکل‌گیری جبهه مقاومت خبری نبود. راهبرد مقاومت اب‌عبدالله علیه‌السلام هرچند هزینه‌های مادی در پی داشت؛ ولی مسیری را پیش روی جهانیان قرار داد که خروجی آن بازتولید، تکثیر و تنوع قیام‌های عزت‌آفرین و رهایی‌بخش در طول تاریخ است.

مقاومت و تسلیم در تاریخ سیاسی معاصر

در نقد رویکرد رفتارشناسانه می‌توان گفت تمدن‌هایی که در تاریخ حیات بشریت محقق شده، دارای عقبه تاریخی بوده و لحظه‌ای و با اتکا به بیرون به وجود نیامده‌اند. تمدن‌ها حداقل عمری بالغ بر دو‌یست سال دارند. ابن‌خلدون در کتاب مقدمه، ظهور و افول یک تمدن را بالغ بر زندگی چند نسل انسانی می‌داند و برای تمدن‌ها دوره‌های بدوی، ظهور و شکوفایی و در نهایت افول را ترسیم می‌کند. شکی نیست که ظهور هر تمدنی مبتنی بر مبانی هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه اتفاق می‌افتد و در پی آن جنگ‌ها، اختلافات قومی، مذهبی و بین‌المللی ایجاد می‌شود. دستگاه سیاسی جدیدی رخ می‌دهد که باید برای آینده خود، براساس جهان‌بینی جدیدی که ارائه کرده است، برنامه‌سازی و تصمیم‌گیری کند.

آنچه لازم به توجه است اینکه همه تمدن‌ها از معبر مشکلات، فقر، آشوب‌ها و تنش‌های اجتماعی گذشته‌اند و هیچ تمدنی به صورت بسته‌بندی شده و آماده از جای دیگری وارد نشده است. هر قومی که به شکوفایی تمدنی رسیده، در حد مرگ مقاومت و تلاش کرده است و اخلاق راحت‌طلبی و عافیت‌خواهی و آماده‌خوری و نگاه صرف به بیرون و تکیه بر صاحبان قدرت را از خود دور کرده است. تمدن‌ها با شیب ملایم و با صبر و تحمل مصائب و سختی‌ها در دل مشکلات و اتفاقات تاریخی، موانع پیش‌رویش را برداشته و راه را باز نموده و طی قرن‌های متمادی به شکوفایی رسیده است.

تمدن صفویه معلول دویست سال تلاش ایدئولوژیک علمای شیعه قبل از صفویه است، علمای بزرگی چون شیخ مفید، شیخ طوسی، شهید اول، شهید ثانی، خواجه نصیر که به‌رغم تهدیدات و خطرات جانی، نظریه ولایت را سینه به سینه تبیین، تبلیغ و نهادینه کردند. این اقدام در حقیقت بخش مهمی از مرحله شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی نیز محسوب می‌شود که قریب به ده قرن به درازا کشیده است.

مشکلاتی که امروزه دامن‌گیر معیشت و زندگی طبقه کم‌درآمد جامعه ایران است، برای یک حرکت تمدن‌ساز و شکوفایی یک جامعه امری گریزناپذیر است. با مطالعه تاریخ اروپا مشخص می‌شود که در پی چه خون‌دل‌ها و چه قتل‌ها و کشتارها و محرومیت‌هایی در اروپا و آمریکا ایجاد شده تا تمدن امروز بنا شده است. اروپایی‌ها، غربی‌ها صفاتی خوبی مانند وقت‌شناسی، خطرپذیری و پیگیر بودن در کارها را هم در کنار صفات دورویی، تقلب، بی‌اعتنایی به فضایل انسانی و اخلاقی، ابتدال و بی‌مبالاتی در مسائل جنسی دارند. همین صفات مثبت سبب تمدن‌سازی گردیده است و آن‌ها را به‌رغم همه فسادهایشان حفظ کرده است.

در راه‌های زندگی از حوادث ترسیدند. چه راه‌های دریایی طوفانی را طی کردند تا به هندوستان برسند! خداوند متعال هم برای هر شیء مثبتی اجر و پاداش‌هایی قرار داده است. (كُلًّا نَمِدُّ هُوَآءٍ وَ هُوَآءٍ مِّنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا) (اسراء: ۲۰)؛ «و ما به هر دو فرقه از دنیا طلبان و آخرت طلبان به لطف خود مدد خواهیم داد که از لطف و عطای پروردگار تو هیچ‌کس محروم نخواهد بود».

تمدن‌سازی با تبلی، وادادگی، ولگردی، بی‌عاری، زن‌بارگی، عیاشی، مسائل جنسی، مشروب‌خوری و مانند این‌ها از یک سو و رویکرد رفتارشناسانه ممکن نیست (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۸۶-۸۷). مع‌الأسف، این موارد از هزینه‌های تسلیم آنان شدن هم هست. امروزه هم جامعه ایرانی و جهان اسلام نمی‌تواند تخت عافیت‌طلبی و خوش‌نشینی را بنا کند و ادعای عزت و استقلال و تمدن‌سازی هم نماید. مشکلات کنونی ایران در کنار دستاوردهای علمی و فناوری تمدن‌ساز برای کسی که از تاریخ جهان آگاهی داشته باشد، با نگاهی از دور کم و بیش در همه تمدن‌ها رخ داده است.



اصلاً تمدن‌سازی نمی‌تواند فارغ از این معضلات شکل بگیرد. هرچند بی‌توجهی به ظرفیت‌های داخلی، آثار زیانبار مذاکره بر منافع ملی، فساد و خودباختگی و سوءمدیریت برخی مسئولین دولتی، شکاف طبقاتی، نظام تعلیم و تربیت ناکارآمد، نظام بانک‌داری کاسب‌کارانه و عملکرد نظارتی فرسایشی موجب بحران‌های مهمی در زندگی مردم شده و باید اصلاح شود.

جامعه‌ای که توان اصلاح و پاسخگویی به معضلات اجتماعی را داشته باشد، شکوفا شده و کارآمدی خود را برای تمدن‌سازی به اثبات می‌رساند. ملت ایران هم می‌تواند کارآمدی خود را برای برای برداشتن گام دوم تمدن‌سازی به اثبات برساند. هنگامی که مردم ایران رنج‌های مبارزه با استبداد داخلی و مقاومت در برابر استعمار بی‌رحم را تحمل می‌کردند، کسی فکر نمی‌کرد انقلابی اسلامی با حمایت ۹۸ درصدی مردم ایران به رهبری یک عالم شیعی شکل بگیرد. انقلابی که به تعبیر میشل فوکو، روح یک جهان بی‌روح شد. امروزه نیز ظرفیت‌های بزرگی در چهار دهه گذشته پس از انقلاب به دست آمده که نیازمند تحلیل دقیق جامعه‌شناختی است.

با توضیح مذکور به نمونه‌هایی از مقاومت و تسلیم در تاریخ سیاسی معاصر می‌توان اشاره نمود و با رویکرد مقایسه‌ای، هزینه‌ها را توصیف و تحلیل نمود. در جنگ دوم ایران و روس، ایرانی‌ها با حکم جهاد علما، متجاوزان را از خاک ایران بیرون راندند؛ ولی متأثر از رویکرد رفتارشناسانه، وقتی شایعه شد هیئتی از سوی فتح‌علی شاه برای مذاکره با روس‌ها به منطقه آمده، روحیه مقاومت و جهادی نیروهای ایران، اسیر این جنگ روانی شد و سپاه روس شهرهای دیگری از ایران را اشغال کرد و هزینه‌ها و غرامت‌های سنگینی را به مردم ایران تحمیل کرد.

بازخوانی تاریخ معاصر نشان می‌دهد در دوره حکومت پهلوی که ابتدا انگلیسی‌ها و سپس آمریکایی‌ها زمام امور را در دست داشتند، طیف وسیعی از نخبگان، روشنفکران و روحانیون متأثر از رویکرد رفتارشناسانه از «بی‌نتیجه بودن مبارزه» سخن می‌گفتند؛ ولی امام خمینی رحمه‌الله‌علیه و یاران مبارزش در میدان مبارزه ایستادگی می‌کردند و می‌گفتند: (مِنْ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا) (أحزاب: ۲۳).

نتیجه این صبر و ایستادگی، پیروزی بود. این تجربه روشن و گرانبها در چهارچوب تفکر اسلامی از سوی یک مبنا و اصل مستحکم اعتقادی هستی‌شناسانه پشتیبانی می‌شود. اصل «اعتماد به وعده الهی» یعنی که اگر مبارزه کنید، اگر صبر کنید، اگر به خدای متعال توکل کنید، در جایی که گمان آن را نمی‌برید و امید آن را ندارید خداوند به شما قدرت خواهد داد و نمونه روشن این تجربه، همان پیروزی انقلاب اسلامی در شرایط ناباورانه سال ۵۷ است که مصداق تحقق وعده الهی بود (امام خامنه‌ای مدظله‌العالی، بیانات در تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۲۱ و ۱۳۹۳/۳/۲۱).

جمهوری اسلامی ایران در نتیجه ظرفیت‌سازی در گام اول انقلاب اسلامی وارد فاز جدیدی از مقاومت شده است که ثمره آن قدرت بی‌نظیر و نفوذ منطقه‌ای ایران از شاخ آفریقا تا شرق دور در موقعیت کنونی است. با بازگشت تحریم‌های اقتصادی توسط آمریکا، زمینه جدیدی برای مقاومت ایجاد شده که این مقاومت، نویددهنده ظهور قدرت اقتصادی و شکوفایی آموزه‌هایی اسلامی در عرصه نظام اقتصادی ایران، بلکه جهان اسلام است.

در همین راستا تعریف یک راهبرد اقتصادی به نام اقتصاد مقاومتی به نسبت تعامل نظام اسلامی با نظام اقتصادی جهانی از سویی و تقابل و رویارویی یا به عبارت بهتر مقاومت در برابر خواسته‌های نظام سلطه و عدم پذیرش هژمون آنان مرتبط است. اقتصاد نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی است و این جهان‌بینی با منافع ابرقدرت‌های روز دنیا در تضاد است؛ از این رو، اقتصاد خاصی خواهد بود؛ چراکه دشمنی با چنین کشوری پایدار بوده و در هر دوره‌ای به شکلی بروز می‌یابد؛ بنابراین، همه راهبردها و سیاست‌های کشوری مثل ایران باید به گونه‌ای طراحی شود که از کیان آن در برابر تهدیدها حفاظت کند و مسیر رسیدن به اهداف کشور را هموار سازد.

جمهوری اسلامی ایران که همیشه در معرض دشمنی قرار داشته و در برابر آن‌ها مقاومت کرده است، باید اقتصادی متناسب با این وضع داشته باشد که از آن به اقتصاد مقاومتی تعبیر می‌شود. وقتی نظامی مانند نظام جمهوری اسلامی ایران در جبهه مقاومت در برابر استکبار و صهیونیسم جهانی است و امنیت نظام اسلامی در چهارچوب مقاومت در برابر نظام سلطه تعریف می‌شود، باید دیگر زیرمجموعه‌های نظام، مانند ساختارهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی نظام اسلامی با همین مفروضه و شرایط مقاومت در برابر نظام سلطه شکل گیرد و عمل کند.



در این وضعیت با تغییر در اولویت هدف‌ها و به تبع آن در اصول راهبردی و سیاست‌های کلان و حاکمیت روحیه جهادی بر رفتارهای اقتصادی دولت و مردم، راهبردی کلان طراحی می‌شود که تهدید را تبدیل به فرصت کرده و باعث رشد جهشی می‌شود (میرمعزی، ۱۳۹۱ و عسگری، ۱۳۹۱)؛ ولی آنچه مهم است، شکل‌گیری و نهادینه شدن «الگو و پارادایم مقاومت حسینی علیه‌السلام» است که گفتمان قدرت مقاومت را با کمترین هزینه‌ها با گسترش جغرافیایی روزافزون به گفتمان غالب تبدیل خواهد کرد.

در این خصوص، رهبر معظم انقلاب اسلامی^(مدظله) با عنایت به انگیزه ایستادگی و مقاومت جوانان متعهد و جایگاه مهمی که برای آنان در بیانیه گام دوم قائلند، امید می‌دهند که امروز جوان‌های ایران از لحاظ انگیزه ایستادگی و مقاومت از جوان نسل اول انقلاب اگر جلوتر نباشند، عقب‌تر نیستند. این روحیه به تدریج در میان جوان‌های کشورهای دیگر رسوخ پیدا کرده. روحیه استقلال آن‌ها بالا است. ایشان آمریکا را رو به افول دانسته و به کسانی که با رویکرد رفتارشناسانه گرایش به سازش با آمریکایی‌ها دارند، توصیه می‌کنند بیخودی نقشه بی‌اساس و بی‌پایه نکشند (بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۷/۸/۱۲، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=40833>).

ایشان مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور را نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی می‌دانند و ۳۶ میلیون نفر در سنین میانه ۱۵ و چهل سالگی، نزدیک به ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، رتبه دوم جهان در دانش‌آموختگان علوم مهندسی، انبوه جوانانی که با روحیه انقلابی رشد کرده و آماده تلاش جهادی برای کشورند و جمعیت چشمگیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند، ثروت عظیم و فرصت ارزشمندی برای کشور معرفی می‌کنند (سند بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷: ۳۱-۳۰).

امام خامنه‌ای در نخستین توصیه برای برداشتن گام دوم انقلاب، بر امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی و نگاه خوش‌بینانه به آینده تأکید می‌کنند که بدون این کلید اساسی همه قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت؛ چراکه در طول چهل سال گام اول، سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران از آینده بوده است.

ایشان به جوانان تکلیف می‌کنند که باید پیشگام در شکستن این محاصره تبلیغاتی باشند. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهند. ترس و نومیدی را از خود و دیگران برانند و این را نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد جوانان می‌دانند. رویش‌های انقلاب را بسی فراتر از ریزش‌ها و دست و دل‌های امین و خدمتگزار را به مراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان معرفی می‌کنند. ایشان معتقدند دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام می‌نگرد؛ از این رو، توصیه می‌کنند قدر خود را بدانید و با قوت خداداد به‌سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید (سند بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷: ۳۴-۳۳).

امام خامنه‌ای در راستای ارتقاء سطح بازدارندگی و کارآمدی مقاومت، همواره توصیه‌های اکید دارند که نیروهای مسلح روزبه‌روز باید خود را نیرومندتر کنند. این نوآوری است. نوآوری فقط در ساخت سلاح و تجهیزات نیست، نوآوری در آموزش، نوآوری در سازماندهی و تشکیلات، نوآوری در شیوه‌های پشتیبانی، نوآوری در دستورالعمل‌های رزمی، همه این‌ها لازم است. توصیه ایشان برداشتن گام‌های بلند، محکم، با قوت و قدرت به سمت هدف‌های روشن است تا این دژ و این حصار برای ملت بزرگ ایران اطمینان بخش‌تر شود (بیانات در مراسم نظامی مشترک یگان‌های نیروهای مسلح استان فارس، ۱۳۸۷/۲/۱۲)

ایشان هشت توصیه مهم نیز برای استمرار حرکت پرشتاب و رو به پیشرفت پاسداران انقلاب اسلامی بیان کردند: «به هیچ وجه نگذارید سپاه، پیر، محافظه‌کار و به وضع موجود قانع شود. حفظ آمادگی در مواجهه با حوادث بزرگ و حفظ آمادگی‌های علمی و عملی و آگاهی‌های سیاسی و استحکام سازمانی سپاه در عرصه‌های اقتصاد مقاومتی و رونق تولید، کمک به محرومان و خدمت‌رسانی و مقابله با دشمنی‌ها، از دست ندادن نگاه وسیع و فرامرزی به جغرافیای مقاومت و قناعت نکردن به منطقه خود؛ یعنی به جای انتخاب یک چهاردیواری و کاری به تهدیدهای پشت مرزها نداشتن، نگاه وسیع فرامرزی که عمق راهبردی کشور است و گاهی از واجب‌ترین واجبات هم لازم‌تر می‌شود که این مسئولیتش با سپاه است. از دشمن مطلقاً نترسیدن، کاملاً هوشیار بودن و ارزیابی واقعی و صحیحی از دشمن داشتن با همه اجزاء عظیم تشکیل‌دهنده نظام اسلامی اعم از دولت، مجلس و قوه قضاییه و بخش‌های گوناگون، همکاری و هم‌افزایی داشتن با حفظ صددرصدی عناصر



هویتی سپاه، مردمی بودن مردم‌دوست، مردم‌پذیر و مردمی رفتار بودن و از فخر فروشی، دنیا طلبی و اشرافی‌گری جداً پرهیز کردن، اولویت قرار دادن کار و روحیه جهادی در همه عرصه‌ها، حفظ و تقویت معنویت، انس با قرآن، توکل به خدا و توسل به اهل بیت علیه‌السلام و در میان نیروهای سپاه و خانواده‌هایشان.» (بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸/۱۰/۱۰، <https://www.leader.ir/fa/content/235>).

رهبر معظم انقلاب نسبت به خطرات پیش روی منطقه هم هشدار داده و برای ظرفیت‌سازی بیشتر چنین راهکار می‌دهند: «مهم‌ترین خطر، دخالت و تأثیرگذاری جبهه‌ی کفر و استکبار در ساخت نظام جدید سیاسی در این کشورها است. آنان همه کوشش خود را به کار خواهند برد تا نظام‌های جدید، هویت اسلامی و مردمی نیابد. همه دلسوزان و آنان که به عزت و کرامت و پیشرفت کشور خود دل بسته‌اند، باید تلاش کنند تا اسلامیت و مردمی بودن نظام نوین به تمام و کمال تأمین شود. نقش قانون اساسی‌ها در این میان، برجسته است. اتحاد ملی و به رسمیت شناختن دگرسانی‌های مذهبی، قبیله‌ای و نژادی، شرط پیروزی‌های آینده است» (پیام به کنگره عظیم حج، ۱۳۹۰/۸/۱۴).

با چنین راهبردها و راهکارهایی «الگو و پارادایم مقاومت حسینی علیه‌السلام» برای برداشتن گام دوم شکل می‌گیرد و با نصرت الهی نهادینه خواهد شد و گفتمان قدرت مقاومت با کمترین هزینه‌ها با گسترش جغرافیایی روزافزون به گفتمان غالب تبدیل می‌شود.

ایجاد عوامل بازدارنده از سوی نظام سلطه

به منظور عقیم کردن الگو و پارادایم مقاومت، از بدو ظهور انقلاب اسلامی، ایجاد عوامل بازدارنده از سوی نظام سلطه توسط عوامل داخلی منافقین، گروه‌های چپ و جدایی طلب‌ها ترورها و بمب‌گذاری‌های متعدد آغاز شد؛ ولی این اتفاقات سبب شد مقاومت و تلاش نیروهای انقلابی در عرصه‌های مختلف به‌خصوص علمی و فناوری، تجربه امنیتی پایدار و مستحکمی را برای نظام جمهوری اسلامی ایران به یادگار بگذارد که امروزه ثمره آن را افکار عمومی حس می‌کنند. با شروع جنگ صدام علیه ایران، تجربه‌های نظامی ایرانی‌ها با الگوی مقاومت افزایش یافت، تا جایی که صنعت هسته‌ای، نظامی، به‌ویژه موشکی و پهپادی ایران، به‌خصوص پس از نشان دادن و ساقط کردن پهپادهای پیشرفته آمریکایی و هدف قرار دادن



پایگاه بزرگ آمریکایی عین الاسد در عمق خاک عراق به انتقام ترور سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی به دستور ترامپ رئیس جمهور آمریکا در ۱۳۹۸/۱۰/۱۸، توجه قدرت‌های بزرگ را جلب کرد.

در دهه هشتاد حمله نرم‌افزاری و تنوریک به جمهوری اسلامی ایران آغاز شد؛ ولی الگوی مقاومت نیروهای انقلابی، ظهور نیروهای فکری، مؤسسات علمی و نشر کتاب‌های ارزشمندی در نقد و مقابله با تفکرات روشنفکران غرب‌زده در پی داشت. همه این تجربیات سبب شد در سال‌های آغازین دهه نود، ایران به رتبه‌های بالایی از تراز علمی در علوم راهبردی متمایزکننده با کشورهای دیگر دست پیدا کند؛ یعنی هوافضا، نانو، هسته‌ای و... صنعتی، نظامی و امنیتی دست پیدا کند.

بازیابی هویت اسلامی و مؤلفه‌های قدرت‌ساز آن توانست بسیاری از سیاست‌های تحمیلی قدرت‌های پیروز جنگ جهانی اول را شکسته و این امر نقش مؤثری در شکل‌گیری جنبش‌های مقاومت در لبنان، فلسطین، مصر، کویت، بحرین، عراق، سوریه و یمن ایفا کند و نتایج حیرت‌آوری در سیاست بین‌الملل از خود بر جای گذاشته و به وضوح روشن نمود که مادی‌گرایی پوزیتیویستی و داروینسیم اجتماعی نمی‌تواند در عرصه بین‌الملل نقش محوری در حوادث سیاسی داشته باشد. چالش برانگیزی آموزه‌های انقلاب اسلامی در نظام سلطه به بزرگ‌ترین دردسرها تاریخی غرب تبدیل شده است، به نحوی که نظام سلطه به رهبری آمریکا تمام تلاش‌های خود را در قالب ناتوی فرهنگی و استراتژی اطلاعاتی و ارتباطی برای مهار این قدرت جدید که سنخ مؤلفه‌های آن در بسیاری از حوزه‌ها با مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده قدرت مادی غرب متفاوت است، متمرکز نمودند؛ از این رو، تحلیل‌گران غربی را مجبور به لحاظ نمودن نقش‌های فرهنگی و اجتماعی در تحلیل خود کرده است.

آمریکایی‌ها وقتی از طریق تلاش برای تحمیل جنگ هشت ساله به منظور تجزیه ایران به یازده کشور و همچنین تحریم‌های اقتصادی پس از دوران دفاع مقدس نتوانستند به اهداف خود دست یابند، پس از فروپاشی شوروی، سرمست غرور شکست رقیب بودند، به الگوپذیری از دکتربین‌های «فوکویاما» و «هانتینگتون» برای مقابله با خیزش اسلامی با محوریت نظام ج.ا.ا. روی آوردند و اقدام به ایده‌پردازی درباره ابرفرهنگ آمریکا و اینکه شکل‌دهنده منازعات صحنه بین‌الملل منازعات فرهنگی خواهد بود، روی آوردند.



نظریه «رویارویی تمدن‌ها» را برای سلطه بر جهان اسلام که چهارچوب عملیاتی آن «طرح خاورمیانه بزرگ» بود، مبنا قرار دادند. مؤثرترین نظریه پرداز در این زمینه «یوشی هیرو فرانسیس فوکویاما» ژاپنی‌الصل آمریکایی و عضو مؤسسه «رند» وابسته به نیروی دریایی آمریکا بود. وی در مقاله‌ای با عنوان «پایان تاریخ و واپسین انسان» که در ۱۸۹۹ نوشت و در ۱۹۹۱ کتاب آن را منتشر نمود، شکست ایدئولوژی کمونیست را دلیلی بر پیروزی ارزش‌های لیبرال دموکراسی غرب و به فرجام رسیدن منازعات ایدئولوژیکی در جهان تصور می‌کرد. فوکویاما معتقد بود رویدادهای اواخر قرن بیستم نشان می‌دهد که اجماعی جهانی به نفع لیبرال دموکراسی به وجود آمده است. این اجماع مساوی با پایان تاریخ است؛ به این معنا که در شکل گرفتن اصول و نهادهای بنیادی دموکراسی، پیشرفت بیشتری به وجود نخواهد آمد، البته باز هم رویدادهایی خواهد آمد؛ ولی تاریخ به معنای فضای داستان جهانی رشد و شکوفایی آدمی خاتمه یافته است.

وی در سال ۱۳۶۷ طی سخنرانی «بازشناسی هویت شیعه» می‌گوید: «شیعه پرنده‌ای است که افق پروازش خیلی بالاتر از تیرهای ماست. پرنده‌ای که دو بال دارد؛ یک بال سبز و یک بال سرخ. بال سبز این پرنده همان مهدویت و عدالت خواهی است. شیعه چون در انتظار عدالت به سر می‌برد، امیدوار است؛ بنابراین، نمی‌توانید کسی را تسخیر کنید که مدعی است فردی خواهد آمد که در اوج ظلم و جور، دنیا را پر از عدل داد خواهد کرد و چنین انسانی هم شکست ناپذیر است.

براساس نظریه فوکویاما بال سبز شیعه همان فلسفه انتظار یا عدالت خواهی است. او می‌گوید: بال سرخ شیعه، شهادت‌طلبی است که ریشه در کربلا دارد و این پدیده شیعه را فنا ناپذیر کرده است. شیعه با این دو بال، افق پروازش خیلی بالاست و تیرهای زهرآگین سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و... به آن نمی‌رسد. آن نقطه که خیلی اهمیت دارد، بعد سوم شیعه است. فوکویاما در ادامه می‌گوید: این پرنده زرهی به نام ولایت‌پذیری بر تن دارد که آن‌ها را شکست ناپذیر نموده است.

در بین کلیه مذاهب اسلامی، شیعه تنها مذهبی است که نگاهش به ولایت، فقهی است؛ یعنی فقیه می‌تواند ولایت داشته باشد. این نگاه، برتر از نخبگان افلاطون است. فوکویاما معتقد است ولایت‌پذیری شیعه که براساس صلاحیت هم شکل می‌گیرد، او را تهدید ناپذیر

کرده است. او در توضیح فنا ناپذیری شیعه می‌گوید: معضل شیعه با شهادت دوچندان می‌شود. شیعه عنصری است که هر چه او را از بین ببرند، بیشتر می‌شود. از قضا آنچه پس از ترور سردار سپهد شهید حاج قاسم سلیمانی نظام سلطه را نگران کرده، همین تکثیر کوثری است. این فرمانده منحصربه‌فرد جبهه مقاومت، سمبل و نماد قهرمان جهان اسلام، بلکه قهرمان بین‌المللی مقاومت شد.

فوکویاما پس از پایان جنگ، یک مهندسی معکوس برای شیعه و یک مهندسی صحیح برای خودشان نوشت. مهندسی معکوس برای شیعیان ایران این است که ابتدا ولایت فقیه را بزیند. تا این را نزنید، نمی‌توانید به ساحت قدسی کربلا و مهدی تجاوز کنید» (قادری کنگاوری، ۱۳۹۴: ۱۶۱).

روشنفکران آمریکایی دیگری چنین می‌اندیشند که تغییرات جهانی به طور اجتناب ناپذیری جوامع را به پذیرش ایده‌های آمریکایی وادار می‌کند. این آمریکا نیست که با قدرت فائده خود، همه را به خدمت فرا می‌خواند و یا درمی‌آورد، بلکه دیگر جوامع هستند که به جهت ویژگی برتر آمریکا آن را برمی‌گزینند و از نظر فکری کسانی چون لئو اشتراوس با همکاری هانا آرنت، فلسفه سیاسی نئوکانت‌های آمریکا را تقویت نمودند.

اشتراوس معتقد است که دموکراسی غربی با الهام از اندیشه‌های یونانی و تقسیم هستی به خیر و شر، نجات‌دهنده جهان است؛ بنابراین، یا باید این دموکراسی بر جهان غلبه کند، یا جهان در حالت بی‌روحو و بربریت باقی بماند و اگر لازم باشد، دموکراسی غرب باید به زور اسلحه در کشورهای جهان حاکمیت یابد. هانتینگتون با طرح نظریه «رویارویی تمدن‌ها» در پی آن بود که تصمیم‌گیران سیاست خارجی آمریکا را به این طریق راهنمایی کند که این کشور برای دستیابی به اهداف خود نیازمند تولید مفاهیم جدید از تهدید، قدرت، امنیت و جنگ در افکار عمومی است تا بتواند بر خلاً ژئوپلیتیکی خود غلبه نماید و با خلق یک دشمن جدید در عرصه روابط بین‌الملل ضمن اتخاذ تدابیر لازم جهت جلوگیری از ظهور قدرت‌ها و رقبای جدید در صحنه جهانی، بر مناطق راهبردی جهان تسلط یابد (هانتینگتون، ۱۳۷۲: ۴-۱۰).

در چنین شرایطی منطقه راهبردی در جهان، خاورمیانه و مرکز آن خلیج فارس است؛ زیرا در جغرافیای سیاسی از این منطقه با عنوان «جغرافیای ثروت و فرصت» یاد می‌شود. بر این مبنا آمریکا «تروریست» را مطرح کرد تا بتواند از طریق آن مشروعیت لازم برای لشکرکشی



به مرکز جهان اسلام را در افکار عمومی مردم آمریکا و تا حدودی در غرب و جهان فراهم نماید. در این راستا در سال‌های اخیر با تشکیل عوامل بازدارنده‌ای مثل داعش و ساماندهی گروه‌های سلفی توسط دولت‌های غربی و راه‌اندازی جنگ‌های نیابتی، ایجاد خاورمیانه جدید یا بزرگ و تجزیه کشورهای اسلامی هدف قرار گرفت.

هزینه‌های مقاومت

می‌توان ادعا نمود هیچ مقاومتی بدون هزینه نیست. نظامی گنجوی هم بر این اساس مدعی است «نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود». شواهد تاریخی فراوانی پشتوانه این ادعا است. مقاومت پیامبران و اولیای الهی در برابر طاغوت‌های زمان در پیش روی هر طالب حقیقت وجود دارد؛ ولی آنچه امید به مقاومت را تضمین می‌کند، نتایج و ثمرات مقاومت‌ها است. قدرت واقعی کشورها از درون جامعه آن‌ها که سرمایه اجتماعی خوانده می‌شوند، نشأت می‌گیرند؛ به همین دلیل آمریکایی‌ها در جنگ ویتنام و مقابله با انقلاب اسلامی ایران شکست خوردند. بر این اساس یکی از مؤلفه‌های اصلی مقاومت، قدرت نرم یک ملت است؛ به همین جهت، انقلاب اسلامی باعث شد که مؤلفه‌های ارزشی، ایدئولوژیکی، هویتی و اعتقادی مردم به موازات بهره‌گیری از ابزارهای مادی در تولید قدرت ملی و مقاومت در برابر تهدیدات بین‌المللی نقش‌آفرین گردد (قادری کنگاوری، ۱۳۹۴: ۱۵۵-۱۶۳).

مواردی چون دارا بودن دین و اعتقادات متعالی و ارزش‌های والای الهی و انسانی، مردم آگاه، باهوش و معتقد، مهیا شدن ظرفیت‌های برخاسته از عقلانیت محصول تجربیات تبدیل‌شده به سنت پس از گام نخست انقلاب اسلامی، موقعیت ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی، ژئوکالچریک و ژئوآکونومیک عناصر این مؤلفه‌ها به شمار می‌روند. این ظرفیت‌ها جلوه‌هایی از «مقاومت نامتقارن» را در فرایند دفاع در برابر تهدیدکننده‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به وجود آورد که انعکاس رفتار راهبردی جمهوری اسلامی ایران می‌توان تلقی کرد.

نظریه‌پردازانی مثل «مانوئل کاستلز» نیز تأکید دارند که قدرت نظامی در صورتی تأثیر دارد که از پشتوانه اجتماعی و مقاومت مردمی برخوردار باشد، مثل شکست تاریخی انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها در سال ۲۰۰۳ در عراق که در ۲۰۱۱ با تلفات بسیار مجبور به تخلیه عراق شدند، همچنین تهاجم وحشیانه عربستان سعودی به یمن که وزیر دفاع آن به آمریکایی‌ها



قول داده بود طی یک هفته پایتخت آن صنعا را اشغال کند. قبل از این نیز مقاومت اسلامی در لبنان و غزه و سوریه نیز نشان داده است که با استفاده از نیروهای مؤمن و پشتوانه اجتماعی می‌توان با نیروهای تهدیدکننده که در وضعیت استراتژیک قرار دارند، مقابله کرد و آن‌ها را به شکست وادار کرد (پوستین چی، زهره و ابراهیم متقی، ۱۳۹۰: ۱۰۳-۱۲۰).

هرچند گذشته چراغ راه آینده است؛ ولی می‌توان گذشته‌ها را که برخی به‌عنوان علل قریبه به لحاظ میزان تأثیر مانند نهضت حسینی^{علیه‌السلام} و مواردی به مثابه علل قریبه به لحاظ زمانی مانند نهضت ملی نفت در تابلوی تمام‌نمای گام نخست انقلاب اسلامی به تصویر کشید. انقلاب اسلامی ایران در گام اول هزینه‌های جانی جبران‌ناپذیر، شکنجه‌ها، تبعیدها و خسارات مادی فراوان؛ اما جبران‌پذیری را در برابر نظام سلطه متحمل گردید.

آمار شهیدان - که قابل مقایسه با انقلاب‌هایی مانند انقلاب الجزایر با قریب به یک میلیون کشته نیست - و تخریب حدود یازده استان، به‌ویژه زیرساخت‌های اساسی کشور، در دفاع مقدس و خسارات مادی دیگر گویای این واقعیت است؛ ولی آنچه امیدبخش است، دستاوردهای بزرگی چون قدرت اول منطقه شدن، کسب رتبه‌های تک رقیمی در دستیابی به علوم راهبردی با ویژگی منحصربه‌فرد قدرت بازدارندگی - آن هم در جنگ نسل چهارمی؛ یعنی نبرد ادراکی - مثل هسته‌ای، هوافضا، نانو و ژنتیک، ایجاد ظرفیت‌هایی مانند تربیت دانشمندان بسیار در عرصه‌های متنوع، صدور فناوری‌های پیشرفته‌ای مانند سدسازی و... و تحولات اسلامی و عربی منطقه‌ای در حال استمرار و موارد کثیر دیگری که در منابع تخصصی، بیانیه گام دوم و حتی در نشریات عمومی ذکر شده و از همه مهم‌تر آبدیده شدن ملت مقاوم ایران در کوران حادثه‌ها می‌توان برشمرد.

۱ در تاریخ معاصر ایده مقاومت به‌خوبی قابل رصد است. وقتی پهلوی دوم، برای مبارزه با مارکسیسم دست روحانیت شیعه را باز گذاشت و حتی پای علامه استاد شهید مطهری را به تلویزیون باز کرد تا از شر گروه‌های چپ خلاص شود، روحانیت انقلابی و مبارز از فرصت به دست آمده بیشترین استفاده را کردند و ناگهان ایده اسلام سیاسی را در شرایطی که شاه فکرش را نمی‌کرد، به‌صورت گسترده تبلیغ کردند. وقتی او فهمید که شرایط بار دیگر از کنترلش خارج شده، دست به تبعید، زندان و شکنجه عالمان دینی زد تا موج جدید مخالفت با شاهنشاهی را که این بار از دل اسلام‌گرایان بیرون آمده بود، کنترل کند. از قضا در این شرایط جدید هم علمای مبارز، بهترین استفاده را کردند. از آن‌جا که افراد تبعیدشده دارای پذیرش اجتماعی بالایی بودند، با مردم محل تبعید، ارتباط گرفته و در نتیجه اندیشه‌های انقلابی نضح می‌گرفت. برای نمونه آیت‌الله خامنه‌ای به ایران‌شهر، آیت‌الله مکارم به مهاباد، سیدعبدالله هاشمی به سمنان، آیت‌الله منتظری به نجف‌آباد، طبس و مسجد سلیمان، آیت‌الله خزعلی به زابل، آیت‌الله مروراید به زابل، محمدعلی قاضی طباطبایی به کرمان، آیت‌الله گرامی به گنبد کاووس و آیت‌الله یزدی به بندر لنگه تبعید شدند. در این شرایط، عالمان دینی اجباراً به مناطقی پاگذاشتند که تاکنون عالمی در این تراز علمی وارد نشده بودند. علما باز هم بهترین استفاده را از اعزام مبلغ شاهنشاهی!! انجام دادند و مردم را بر علیه طاغوت حرکت دادند. «متولی امامی»



این ثمرات مقاومت، آن دردها و آلام را تا حدود زیادی تسکین بخشیده است. حضرت امام رحمه الله علیه می‌فرماید: «اگر کم و کسری در مملکت وجود دارد، ما متأثریم... اگر ما تسلیم آمریکا و ابرقدرت‌ها می‌شدیم، ممکن بود امنیت و رفاه ظاهری درست می‌شد و قبرستان‌های ما پر از شهید نمی‌گردید؛ ولی مسلماً استقلال و آزادی و شرفمان از بین می‌رفت» (امام خمینی رحمه الله علیه، ج ۱۷: ۳۵).

برای توصیف کیفی هزینه و فایده مقاومت، باید منافع ملی جمهوری اسلامی ایران - یعنی همان اهدافی که دولت جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌المللی برای حفظ آن‌ها تلاش می‌کند - و انواع آن مبنای کار قرار گیرد. منافع ملی جمهوری اسلامی ایران به لحاظ درجه اهمیت به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱. منافع وجودی؛ ارزش‌هایی هستند که بقا و ادامه حیات کشور به آن‌ها بستگی دارد و بدون آن‌ها موجودیت آن در معرض خطر قرار می‌گیرد. جمهوری اسلامی ایران برای تأمین این ارزش‌ها در صورت نیاز حتی به جنگ و قوه قهریه هم متوسل می‌شود. این منافع، غیر قابل مذاکره و مصالحه هستند و تأمین آن‌ها با محدودیت زمانی مواجه است. حفظ انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن و منافع دفاعی در این گروه قرار می‌گیرند؛

۲. منافع حیاتی؛ ارزش‌هایی هستند که به خطر افتادن جدی آن‌ها ممکن است در بلندمدت سعادت و رفاه سیاسی و اقتصادی کشور را تهدید کند و تهدیدی مستقیم برای موجودیت و حیات کشور ایجاد کند. این منافع، فوریت زمانی ندارند و کشور فرصت و زمان کافی برای جلب کمک متحدین، چانه‌زنی، مذاکره و یا به‌کارگیری سازوکارها، ترتیبات و اقدامات خنثی‌کننده متقابل را دارد. این منافع علاوه بر منافع دفاعی شامل منافع نظم جهانی جمهوری اسلامی و بعضی از منافع ایدئوژیک نیز می‌شود؛ چون به احساس امنیت کشور در نظام بین‌الملل مربوط می‌شود، سازش و مصالحه در برابر آن‌ها بسیار سخت و حتی غیرممکن است؛

۳. منافع اساسی یا حساس؛ ارزش‌های ملی هستند که برای سعادت سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیکی جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت بسیاری هستند؛ ولی از طریق دیپلماسی و ابزارهای مسالمت‌آمیز بدون توسل به زور قابل حصول یا حل و فصل است؛



اما اگر مذاکره و دیپلماسی شکست بخورد، ممکن است به زور نیز متوسل شود. بسیاری از منافع اقتصادی اساسی هستند؛

۴. منافع حاشیه‌ای؛ منافع و ارزش‌هایی هستند که به‌طور مستقیم بر حیات و موجودیت کشور تأثیر نمی‌گذارند و تهدید آن‌ها حیات و موجودیت کشور را به خطر نمی‌اندازد و بدون توسل به زور تلاش می‌کند به آن‌ها دست یابد. منافع شهروندان و شرکت‌هایی که در خارج از کشور فعالیت می‌کنند، از جمله مصادیق منافع عادی و حاشیه‌ای تلقی می‌شود؛ ولی گاهی از مواقع که اعتبار حیثیت کشور در خطر باشد، ممکن است این منافع به صورت منافع عمده و حساس درآیند، مانند بازداشت سفیر سابق ایران در آرژانتین توسط پلیس انگلیس (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۱۴۶-۱۴۵).

ملت انقلابی ایران مبتنی بر رویکرد هستی‌شناسانه بر سر منافع وجودی، حیاتی و گاه اساسی، گزینه مقاومت را برگزیده است. در این عرصه، هزینه‌ها را برای حفظ منافع وجودی و حیاتی خود به تن خریده است و نصرت الهی سبب شده همواره هزینه‌های مقاومت، هرچند به حسب مادی سنگین، در برابر آنچه که به‌خاطر حفظ آن‌ها ایستادگی کرده و آن هزینه‌ها را پرداخته، قابل چشم‌پوشی بوده است؛ به عبارت دیگر اگر سازش می‌کرد، هزینه‌های سازش کمتر از آن نبود؛ ولی در عوض از ارزش‌های وجودی و حیاتی او اثری باقی نمی‌ماند. دوره دفاع مقدس، حوادث سال‌های ۱۳۶۰، ۱۳۶۷، ۱۳۸۸، ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و آخرین مورد، ترور ناجوانمردانه سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی، فرمانده جبهه مقاومت که به دعوت نخست‌وزیر عراق طی مأموریت دیپلماتیک وارد عراق شده بودند، نمونه بارز توصیف کیفی هزینه و فایده مقاومت هستند.

مضاف بر منافی که ذکر آن‌ها رفت، تحولاتی که در منطقه و جهان اسلام رخ داده یا در حال وقوع است هم بر سنگین کردن کفه دستاوردهای مقاومت تأثیری تعیین‌کننده دارد. در مواردی که شعار آن در جمهوری اسلامی ایران داده می‌شود، امروز در متن حیات اجتماعی این کشورها می‌توان مشاهده نمود. تحولاتی که دو خصوصیت در آن موج می‌زند؛ حضور مردم و دیگری سمت و سوی دینی در آن‌ها. احزاب و پشت میز نشین‌ها و برج عاج نشین‌ها و تحلیلگرهای ذهنی در برابر این دو عنصر هیچ کاری نتوانسته و نمی‌توانند انجام دهند. امام خامنه‌ای (مدظله) در این باره تصریح دارند: «هنر بزرگ امام بزرگوار ما این بود که توانست



مردم را وارد صحنه کند. وقتی مردم به عرصه آمدند، جسم خودشان را، دل خودشان را، نیت و همت خودشان را وارد عرصه کردند. گره‌های کور باز شد. راه‌های بن‌بست گشوده شد. امروز همین اتفاق دارد در کشورهای دیگر می‌افتد... خود مردم وارد صحنه و عرصه شدند و گرایش و جهت‌گیری آن‌ها هم جهت‌گیری دینی است؛ یعنی نماز جمعه است، نماز جماعت است، نام خداست، علمای دینند، افراد مبلغ دین و بنیانگذاران تفکر نوین دینی در بعضی از کشورها هستند. این‌ها وارد میدان شدند؛ لذا مردم هم آمدند توی صحنه. این، خصوصیت این قضیه است. چرا آمدند؟ آن چیزی که آن‌ها را کشاند، به صورت واضحی مسئله عزت و کرامت انسانی آن‌ها بود... به توفیق الهی، به حول و قوه الهی، سلسله شکست‌های آمریکا در این منطقه ادامه پیدا خواهد کرد» (بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال، ۱۳۹۰/۱/۱)،

هزینه‌های تسلیم

هزینه‌های تسلیم را با توصیف نمونه‌های تاریخی که مع‌الأسف مبتنی بر رویکرد رفتارشناسانه بوده است، در این مجال کوتاه می‌توان به تصویر کشید. این نمونه‌ها نشان می‌دهد که «تسلیم شدن در برابر دشمن عنود و لجوج، نتیجه‌ای جز لگدمال و بی‌هویت شدن نخواهد داشت» (بیانات در جمع دانش‌آموختگان دانشگاه امام حسین علیه‌السلام، ۱۳۹۷/۴/۹) نخستین نمونه در دسترس صدام است. از آنجا که دنیای سیاست جهانی، دنیای بی‌تقوایی است، این آسیب نظام سلطه را وا داشته حتی به همراهان خود هم وفا نکنند. تا وقتی به صدام احتیاج داشتند، او را تقویت کردند. امیدوار بودند او بتواند خدشه‌ای بر چهره پر قدرت و مغرور ملت ایران وارد کند. وقتی تاریخ مصرفش تمام شد، به فجیع‌ترین وضعیت ذلیل و از صحنه حذف کردند (ر.ک. بیانات در مراسم نظامی مشترک یگان‌های نیروهای مسلح استان فارس، ۱۳۸۷/۲/۱۲)

سرهنگ قذافی در سال‌های اول مسئولیت، گرایش ضد غربی نشان می‌داد؛ ولی در سال‌های پایانی خدمات بزرگی به غربی‌ها کرد. قذافی همان کسی بود که پیش از قیام شجاعانه ملت لیبی، در شمار دوستان نزدیک آنان محسوب شد. برای خام کردن او، دستش را می‌فشردند یا می‌بوسیدند. او را در آغوش می‌گرفتند. پس از قیام مردم، همین او را بهانه کردند و تمام زیرساخت‌های لیبی را به ویرانی کشاندند. با دست او ثروت لیبی را به غارت بردند. سرانجام



با یک تهدید خشک و خالی، امکانات هسته‌ای کشورش را به غربی‌ها تحویل داد و به آن وضعیت کشته شد. جامعه لیبی هم میدان جنگ‌های نیابتی و ناامنی شد. از حسنی مبارک تا آخرین لحظه‌ای که ممکن بود دفاع کنند، دفاع کردند، سرانجام مانند یک دستمال کثیف دور انداختند (بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال، ۱۳۹۰/۱/۱) (پیام به کنگره عظیم حج، ۱۳۹۰/۸/۱۴)

در چنین اوضاع و احوالی، قانلان به رویکرد رفتارشناسانه می‌گویند حالا یک جوری، برای مثال یک‌دوره با آمریکا کنار آمدن شاید بتوان دشمنی نظام سلطه را کم نمود. نظام سلطه حتی به آن‌هایی هم که به آن‌ها امید بستند و برای دریافت کمک اعتماد کردند، رحم نکردند. دکتر مصدق برای اینکه بتواند در مقابل انگلیس بایستد، با آمریکایی‌ها مذاکره کرد، درخواست کرد، به آن‌ها اعتماد کرد. مع‌الأسف کودتای ۲۸ مرداد به وسیله آمریکا علیه مصدق در ایران انجام گرفت. نظام سلطه حتی به امثال مصدق هم راضی نیست. به قول حضرت امام رحمه‌الله‌علیه نظام سلطه به حد یقف نوکری هم دست بردار از سر ملت‌ها و حتی به اصطلاح دوستانشان نیست. سرسپرده، دست‌بسته و تسلیم، توسری خوری مثل پهلوی دوم می‌خواهد تا از قبل او بر این کشور پرنعمت پربرکت ثروتمند حساس از لحاظ موقعیت جغرافیایی و توانایی‌های گوناگون، حکومت کند، در غیر این صورت دشمن او می‌شوند. امام خامنه‌ای (مدظله) در این خصوص تصریح دارند: «در قضیه طبس دشمنی کردند و توسری خوردند. در زمینه ساقط کردن هواپیمای مسافربری ما دشمنی کردند. در زمینه تحریم‌ها از روز اول دشمنی کردند. امروز هم دارند دشمنی می‌کنند. در زمینه خراب کردن مذاکرات هسته‌ای و نتیجه مذاکرات هسته‌ای - به اصطلاح برج‌ام - نهایت خباثت را دارند عمل می‌کنند؛ دشمنند (بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۶/۸/۱۱)

در هر برهه تاریخی، هر ملتی به نظام سلطه اعتماد کرد، ضربه خورد، حتی کسانی مثل پهلوی دوم که با نظام سلطه میانه‌شان خوب بود و برای مثال به آمریکا اعتماد کرد. او نگاه پشوانه‌ای به آمریکا نداشت، در عین حال زیاده‌خواهی آمریکا او را هم به ستوه آورده بود. موارد ذلت‌باری مانند کاپیتولاسیون را به او تحمیل کرد. ذلت یک ملت از این بیشتر نمی‌شود. به پهلوی دوم هم رحم نکردند. از آمریکا بیرونش کردند. این قدر هم به او وفادار نبودند (بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۲/۸/۲۱)



حوادث دی ماه ۱۳۹۶ و آذر ماه ۱۳۹۸ و خسارت‌هایی که در پی داشت، نمونه دیگری از هزینه‌های نگاه به بیرون و کنار آمدن با نظام سلطه است. قریب به شش سال معطل نگه داشتن ظرفیت‌های داخل کشور به خاطر برجام و طرح‌های ابتکاری اروپایی و کم‌توجهی به آموزه‌ها و ظرفیت‌های مقاومت، این هزینه‌های سنگین مادی و معنوی را در پی داشت. مع‌الأسف هزینه‌های معنوی چون کاهش اعتماد عمومی نسبت به عملکرد برخی کارگزاران به سرمایه اجتماعی و پایگاه و منزلت اجتماعی نظام، می‌تواند آسیب‌های جدی وارد کند. اعتراف یکی از مسئولین مستقیم عرصه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص کمتر نبودن هزینه‌های سازش از هزینه‌های مقاومت گویا است. سیدعباس عراقچی به تازگی در گفتگو با رسانه هلندی «ان. آر. سی» اظهار داشت: «درسی که از برجام گرفتیم، این بود که مقاومت بیش از همکاری جواب می‌دهد» (خبر سیمای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۸/۹/۸). مقاومت برخلاف تسلیم، موجب عقب‌نشینی دشمن می‌شود.

سرمایه اجتماعی و هزینه‌های مقاومت و تسلیم

شاید بتوان از سرمایه اجتماعی به‌عنوان مهم‌ترین نوع سرمایه یاد کرد که بر کارکرد اثربخش دیگر سرمایه‌ها از جمله سرمایه انسانی تأثیر به‌سزایی دارد. این سرمایه به منابعی همچون اطلاعات، اندیشه‌ها، فرصت‌های کسب‌وکار، سرمایه مالی، قدرت و نفوذ، پشتیبانی احساسی، خیرخواهی، اعتماد و همکاری اشاره می‌کند که در شبکه‌های کسب‌وکار یا شبکه‌های فردی به وجود می‌آید (سیدنقوی و عبدالله پور، ۲۰۱۰ م).

اعتماد، اتحاد، مشارکت، تعهد و... را می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین ابعاد سرمایه اجتماعی معرفی کرد. از آنجا که این ابعاد بیشتر بر نحوه انجام کار دلالت می‌کند، حضور سرمایه اجتماعی در جامعه موجب می‌شود زمینه‌های مناسب برای انجام کارها به نحو اثربخش‌تر و کاراتر فراهم شود. به علاوه تسهیم دانش میان اعضای سازمان و جامعه نیز از مهم‌ترین نتایج تأثیرگذار سرمایه اجتماعی است که وجود آن مقدمات لازم برای قرارگرفتن دانش در محوریت امور را مهیا می‌کند. همچنین، توزیع عادلانه درآمد از طریق فراهم کردن فرصت و امکانات برای تمامی افراد جامعه، زمینه مشارکت و اتحاد را مهیا می‌کند و بدین ترتیب بر سرمایه اجتماعی تأثیر می‌گذارد. این دستاورد، هزینه‌های مقاومت را به میزان قابل توجهی کاهش

می‌دهد؛ بنابراین، سرمایه اجتماعی با فراهم کردن فضایی مشارکت‌آمیز و بانشاط در جامعه و نیز با اثرگذاری بر کارکرد دیگر سرمایه‌ها، شرایط و مقدمات لازم برای دانشی بنیان‌گردیدن حوزه‌های مختلف از جمله اقتصاد را فراهم می‌کند و بعد از آن است که تحقق راهبردهایی چون اقتصاد مقاومتی دور از دسترس نخواهد بود؛ ولی نگاه به بیرون و کنار آمدن با نظام سلطه نه تنها هزینه‌های مادی بالا را تحمیل کرده، بلکه سرمایه اجتماعی را همواره سوزانده است.

حضرت امیر علیه‌السلام هم در بخشی از فرمایشات ارزشمندشان خطاب به مالک اشتر، دربارهٔ جلب اعتماد و رضایت جامعه فرموده‌اند: «دوست داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو، در حق میانه‌ترین و در عدل فراگیرترین و در جلب خشنودی مردم گسترده‌ترین باشد؛ زیرا ستون‌های استوار دین، اجتماعات پرشور مسلمین و نیروهای ذخیرهٔ دفاعی، عموم مردم هستند. پس به آن‌ها گرایش داشته باش و اشتیاق تو با آن‌ها باشد» (دشتی، ۱۳۹۱).

بعد دیگری که در سرمایه اجتماعی بسیار مهم تلقی شده است، مسئلهٔ مشارکت است. بنابر اقتضا، در زمان حکومت حضرت امیر علیه‌السلام، از بسیج مردم به‌منظور مشارکت آن‌ها در امور، بهره‌گیری شده است. ایشان دربارهٔ بسیج مردم در خطبهٔ ۲۱۲ فرموده‌اند: «خدایا! هرکدام از بندگان تو که سخن عادلانه دور از ستمکاری و اصلاح‌کننده دور از فسادانگیزی ما را نسبت به دین و دنیا شنید و پس از شنیدن، سر باز زد و از یاری کردنت باز ایستاد و در گرامی داشتن دین تو درنگ و سستی کرد، ما تو را بر ضد او به گواهی می‌طلبیم» (دشتی، ۱۳۹۱).

در صورت وجود مشارکت در جامعه، علاوه بر پیشرفت بهتر کارها، در دستیابی به اهداف نیز به دلیل ایجاد هم‌افزایی، تسریع حاصل خواهد شد. وجود وحدت میان افراد جامعه نیز از عواملی است که سرمایه اجتماعی را تحقق می‌بخشد. حضرت امیر علیه‌السلام ضرورت وحدت را در خطبهٔ ۱۲۱ تبیین و افراد را از پراکندگی نهی کرده و فرموده‌اند: «همانا شیطان راه‌های خود را به شما آسان جلوه می‌دهد تا گره‌های محکم دین شما را یکی پس از دیگری بگشاید و به جای وحدت و هماهنگی، بر پراکندگی شما بیفزاید و در پراکندگی، شما را دچار فتنه گرداند» (دشتی، ۱۳۹۱).

تردید در میان کارگزاران در اتخاذ راهبرد مقاومت، به میان افراد و تشکل‌های اجتماعی تسری یافته و هزینهٔ جبران‌نشدنی را از حیث انسجام، یکپارچگی، وحدت، اعتماد و اعتبار بر مقاومت جامعه تحمیل می‌کند و سرمایه و پایگاه اجتماعی نظام سیاسی را تضعیف می‌کند.



در نقطه مقابل، چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: (يُدُّ اللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ) (فتح: ۱۰) اگر جامعه‌ای بخواهد این معیت را برای خود تأمین کند، به‌رغم وجود این معیت، برای هر فرد و جامعه‌ای فراهم نیست. در قرآن کریم برای این معیت چند شرط گذاشته شده است: (إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ) (نحل: ۱۲۸)، (إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ) (بقره: ۱۵۳)، (وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ) (أنفال: ۶۶)، (أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ) (بقره: ۱۹۴)، (أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ) (أنفال: ۱۹) و (وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ) (عنکبوت: ۶۹).

ملت ایران و عراق اگر در جریان حمله تروریستی رئیس‌جمهور آمریکا اینگونه همراه با رهبری به صورت فراگیر واکنش نمی‌دادند و سرمایه اجتماعی مقاومت را به رخ دشمن نمی‌کشیدند، با صرف سیلی موشکی بازدارندگی ایجاد نمی‌شد؛ به عبارت دیگر رهبری الهی، سرمایه اجتماعی و بازدارندگی موشکی شروط لازم و ملزوم یکدیگر برای کاهش هزینه‌های مقاومتند.

نتیجه‌گیری

تعیین موضع‌گیری‌ها صحیح و به‌جا در مقابل رقیب، تهدیدها را به فرصت تبدیل کرده و زمینه‌های جدیدی برای بسط قدرت ایجاد می‌کند. در این راستا الگوی مقاومت در هر حوزه‌ای که مردم آن جامعه به زیور روحیه مقاومت آراسته می‌گردند، تجمیع و تألیف اراده‌ها برای تعالی جامعه تبدیل به گفتمان غالب شده و در حیات اجتماعی بروز و ظهور بیشتری پیدا خواهد کرد. بخش‌های متناظر با آن حوزه مقاومت نیز این تجربیات ارزشمند را برای رشد و تعالی خود مطلوب دانسته و بومی‌سازی می‌نمایند و ایده مقاومت، متناسب با شرایط، بازتولید، تکثیر و تنوع‌شکلی پیدا می‌کند.

حفظ انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران و دیگر منافع وجودی، حیاتی، اساسی و حتی حاشیه‌ای آن در شرایط خاص، ارتقاء سطح قدرت به سطح فراتر از منطقه - یعنی قدرت متوسط و إنشاءالله در آینده نزدیک به سطح پنجم قدرت - به‌عنوان محور اصلی و حامی مقاومت، شکسته شدن هیمنه و اسطوره شکست‌ناپذیری نظام سلطه، آگاهی در حال افزایش ملت‌ها نسبت به حقوق خود و استقلال در تعیین حق سرنوشت خویش، قدرت‌یابی و نضج‌گیری محور مقاومت اسلامی در عرصه‌های فرهنگی، امنیتی، نظامی،



علمی، فنی، اقتصادی و هم‌افزایی قدرت در آن‌ها از طریق فعالیت‌های شبکه‌ای، علایق و شوق فراگیر به مقاومت و شکل‌گیری هسته‌های جدید مانند حشدالشعبی در عراق، فاطمیون در افغانستان، زینبیون در پاکستان، گروه‌های داوطلب مردمی در سوریه و انصارالله در یمن، شاخصه‌های این ادعا است.

همین که نظام سلطه و متحدانش با تمام توانمندی‌های دیپلماتیک، رسانه‌ای، مالی، اطلاعاتی-امنیتی و نظامی خود در برابر محور مقاومت، خود را به آب و آتش می‌زنند و از شکست دادن آن عاجز ماندند، خود گویای میزان قدرت مقاومت و غلبه دستاوردهای مقاومت در مقایسه با هزینه‌های آن از یک سو و به مراتب کمتر بودن هزینه‌های مقاومت در مقایسه با هزینه‌های سازش با دشمن است که بیان شد. در پایان، به توصیه امام خامنه‌ای^(مدظله) که راه نجات مسلمانان را همکاری و همدلی و اتحاد کشورهای اسلامی و تشکیل قطب قدرتمند جهان اسلام میسر می‌دانند، به‌عنوان حسن ختام استناد می‌شود: «ملت‌های شجاع و به‌پاخاسته ... بیدار و مبارز بدانند، نجات آنان از ظلم و کید آمریکا و دیگر مستکبران غربی، تنها و تنها در آن است که تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار شود. مسلمانان برای اینکه بتوانند مسائل خود را به صورت جدی با جهان‌خواران حل کنند، باید خود را به مرز قدرت بزرگ جهانی برسانند و این جز با همکاری و همدلی و اتحاد کشورهای اسلامی به دست نخواهد آمد. این، وصیت فراموش‌نشده امام خمینی عظیم است ... تا چنگ و دندان قدرت‌های خونخوار و وحشی غربی شکسته نشود، همیشه چنین خطرهایی برای کشورهای اسلامی متصور است و نجات از آن جز با تشکیل قطب قدرتمند جهان اسلام میسر نیست (پیام به کنگره عظیم حج، ۱۴/۸/۱۳۹۰)



منابع

- آقابخشی، علی و مینو افشاری راد (۱۳۸۶). *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: نشر چاپار، ج ۲.
- پوستینچی، زهره و ابراهیم متقی (۱۳۹۰). «زبان سیاسی مقاومت اسلامی در سیاست بین‌الملل». *فصلنامه پژوهش‌های بین‌الملل*. دوره نخست، ش ۱، پاییز.
- جمشیدی، محمدحسین و جلیلی بیات (۱۳۹۵). «امکان کاربرد الگوی تنش‌زدایی آمریکا-چین در روابط ایران و آمریکا». *فصلنامه روابط خارجی*. سال هشتم.
- جوادی آملی (۱۳۹۲). *تسنیم*. قم: اسراء، ج ۲۸.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷). *بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی*. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، قابل دسترس در www.khamenei.ir
- _____ (۱۳۹۷). *نسیم سحر*. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- دشتی، محمد (۱۳۹۱). *ترجمه نهج البلاغه*. قم: پرهیزکار.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال‌الدین (۱۳۸۶). *هویت و منفعت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- زکریا، فرید (بی‌تا). «آمریکا و ایران دارای منافع راهبردی مشترک در منطقه هستند». خبرگزاری ایرنا.
- سلطانی نژاد، احمد و دیگران (۱۳۹۲). «آمریکا و برنامه هسته‌ای ایران». *فصلنامه مطالعات راهبردی*. سال ۱۶، ش ۱.
- سیدنقوی، میر علی و مونا عبدالله پور (۱۳۸۹). «رابطه بین سرمایه اجتماعی و کارآفرینی سازمانی». مقاله ۵، دوره ۳، ش ۳ - شماره پیاپی ۹، پاییز، ۱۰۳-۱۲۹.
- شاطری، مفید (۲۰۱۲ م). «داروینیسیم اجتماعی و تأثیر آن بر جغرافیا». سپهر، ش ۸۳.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر نشر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ج ۸.
- عسگری، علی (۱۳۹۱). «راهکار عملیاتی در اقتصاد مقاومتی». *روزنامه جام‌جم*، ش ۳۵۱۵، دوشنبه ۳ مهر.
- قادری، روح‌الله (۱۳۹۴). *نظریه مقاومت و نظریه‌های غربی روابط بین‌الملل*. تهران: نشر مخاطب.
- قرائتی، محسن (۱۳۷۹). *تفسیر نور*. قم: مؤسسه در راه حق، ج ۳ و ۴، چ ۵.



- قیصری، نورالله (۱۳۹۲). «امنیت پایدار نظام جمهوری اسلامی ایران؛ الگویی برای تبیین و اجرای سیاست‌های کلان». دو فصلنامه علمی- پژوهشی دانش سیاسی. سال نهم، ش ۱۷، بهار و تابستان.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۸). «همکاری‌های نامتقارن ایران و آمریکا در دوره اوباما». فصلنامه بین‌المللی و روابط خارجی. سال اول، ش ۲.
- متولی امامی، سیدمحمدحسین. نظریه مقاومت چیست؟ چرا به ظهور تمدن نوین اسلامی امیداوریم؟
- میرمعزی، سیدحسن (۱۳۹۱). «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری». اقتصاد اسلامی. ش ۴۷، پاییز.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۲). «رویاری تمدن‌ها». ترجمه مجتبی امیری. اطلاعات سیاسی اقتصادی. ش ۶۹-۷۰، خرداد- تیر.

- Simon, Marc V, Harvey Starr (2000), "Two-Level Security Management and the Prospects for New Democracies: A Simulation Analysis", International Studies Quarterly, Vol. 44, No. 3.

